



محمود مطهری‌نیا

حضرت علی(ع)، ضمن چند روایت گونه‌های متعددی از فتنه‌های آخرالزمانی را بیان نموده اند و همان‌طور که خواهیم دید، چهارمین یا پنجمین آنان را بدترین آنها خوانده‌اند: خواهد داد؛ در اولی خونریزی مباح می‌شود؛ در دومی خونریزی و غارت اموال؛ در سومی خونریزی، غارت اموال و تجاوز به نوامیس؛ چهارمی که حتی اگر در سوراخ روباه باشی دچار آن فتنه خواهی شد.

حضرت علی(ع) از آغازین ایام حیات، در محضر رسول خدا(ص) بود و از دریای علم ایشان خوشه برمی‌چید. به تصریح آن امام همام، نبی خاتم(ص) در لحظات آخرین زندگی پرخیر خویش، هزار دروازه علم را برای ایشان گشودند که از هریک از آنها هزار در دیگر گشوده شد. 1 بنا بر شرایطی که حضرت علی(ع) در آن می‌زیستند بیش از دیگر اهل بیت(ع) به تصویر و ترسیم آینده، گاه نزدیک و گاه دور پرداختند. از مشهورترین پیش‌گویی‌های ایشان که به سرعت، راستی آن بر مخاطبان عیان شد، ماجرای جنگ نهروان با خوارج بود که فرمودند: «از شما کمتر از ده تن کشته خواهد شد و از ایشان کمتر از ده تن زنده خواهند ماند». 2 این عبارت پیش از آغاز نبرد بیان شد و اندکی پس از خاتمه نبرد، شمارش شهدای سپاه و فراریان خوارج، حاضران را متحیر نمود. گاه نیز در روایات علوی صحبت از آینده نه چندان دور است؛ برای نمونه از این دست می‌توان به پیش‌گویی امیرمؤمنان(ع) درباره حمله مغول به سرزمین‌های اسلامی یاد کرد³ که با استناد به همین روایت و با درایت و حزم خواجه نصیرالدین طوسی، جامعه شیعیان کمترین آسیب را در این فتنه متحمل شد.

یکی از پیش‌گویی‌هایی که در لابه‌لای بیانات امیرمؤمنان، امام علی(ع) مطالب ارزنده و قابل توجهی درباره آن می‌توان یافت، مسئله فتنه‌های آخرالزمانی است. درباره موضوع فتنه‌های آخرالزمان، روایات متعددی از معصومان(ع) نقل شده که در اینجا تنها به مرور روایات علوی اکتفا می‌کنیم و انشاءالله در فرصتی دیگر، باید به تفصیل درباره آن سخن گفته شود.

معنای فتنه

فتنه را در لغت، به امتحان و آزمودن معنا کرده‌اند⁵. این واژه معمولاً درباره آن دسته از امتحاناتی به کار برده می‌شود که با تلخی و سختی همراه است⁶.

در قرآن کریم، این واژه علاوه بر این معنا، 7 برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق، 8 شرک و کفر، 9 افتادن در معاصی و نفاق، 10 اشتباه گرفتن و تشخیص ندادن حق از باطل، 11 گمراهی، 12 کشتار و اسارت، 13 تفرقه و اختلاف میان مردم¹⁴ و... به کار رفته است.

گونه‌شناسی فتنه‌های آخرالزمان

حضرت علی(ع)، ضمن چند روایت گونه‌های متعددی از فتنه‌های آخرالزمانی را بیان نموده اند و همان‌طور که خواهیم دید، چهارمین یا پنجمین آنان را بدترین آنها خوانده‌اند:

– چهار فتنه رخ خواهد داد؛ در اولی خونریزی مباح می‌شود؛ در دومی خونریزی و غارت اموال؛ در سومی خونریزی، غارت اموال و تجاوز به نوامیس؛ چهارمی که حتی اگر در سوراخ روباه پنهان شده باشی دچار آن فتنه خواهی شد¹⁵.

– خداوند در این امت، پنج فتنه قرار داده است: ابتدا فتنه عمومی، سپس فتنه خواص، پس از آن فتنه سپاه تاریک که مردم در آن بسان چارپایان می‌شوند، سپس هدنه(صلح میان مسلمانان و کفار در پی جنگ و کشتار) و در نهایت دعوت کنندگان ضلالت و گمراهی می‌آیند. در آن روز اگر برای خداوند جانشینی ماند در خدمتش باش¹⁶ و در جایی دیگر حضرتش حیوان‌سانی مردم را ناشی از فتنه کور، پیچیده و گنگ پنجم خوانده‌اند¹⁷.

– همانا از دو خصلت بر شما هراسانم؛ پیروی از هوای نفس و آرزوی طولانی. اما پیروی از هوای نفس، از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را در طاق نسیان می‌نهد. همانا دنیا، پشت‌کنان می‌رود و آخرت، کوچ کرده و به سوی ما می‌آید، و هر کدام را فرزندان است. پس شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید؛ چه، امروز کار هست و محاسبه نیست و فردا محاسبه هست و کار نیست. همانا فتنه‌ها و آشوب‌ها از هواپرستی آغاز می‌شود. در آنها، [به وسیله] فرمان‌های خود پرداخته با خدا مخالفت می‌شود و مردانی در عهده‌دار شدن آنها، به جای مردانی دیگر می‌نشینند.

اگر حق خالص در میان بود، اختلاف به چشم نمی‌خورد، و اگر باطل محض در میان بود، بر هیچ خردمندی پوشیده نمی‌ماند، لیکن مشتکی از حق و مشتکی از باطل گرفته شده و با هم آمیخته گردیده است. اینجاست که شیطان بر دوستداران خود چیره می‌گردد، و کسانی رهایی می‌یابند که از طرف خداوند عاقبت نیکی برای آنها رقم خورده باشد.

همانا من از رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که فتنه‌ای شما را در برگیرد که در آن کودکان بیش از آن به نظر رسند که هستند [سن و سالشان بیشتر به نظر می‌رسد]، و جوانان به پیری رسند. مردم به کزراه می‌روند و آن (انحراف) را مانند ست خویشتن می‌گزینند و هرگاه بخشی از آن به روش درست تبدیل گردد، گفته می‌شود ست دگرگون شده است. این در نظر مردم کاری زشت آید و در پی آن، بلا یا شدت یابند و نسل به اسارت برده شود. سپس فتنه و آشوب آنان را بکوبد، چنان‌که آتش، هیزم را

می‌کوبد و آسیاب طعمه خود را. آنها دین می‌آموزند اما نه برای خدا، و دانش می‌جویند اما نه برای عمل؛ و به وسیله کار آخرت، دنیا را می‌طلبند. 18

مصادیق فتنه‌ها

تعداد و گونه‌های فتنه‌های آخرالزمان آنچنان زیاد است که به طور عادی اولین تصویری که برای هر شنونده‌ای از شنیدن این واژه به وجود می‌آید، همین موضوع است. همان‌طور که دیدیم در میان این سیل فتنه‌ها چهار یا پنج مورد بیش از دیگر موارد، انسان‌ها را مبتلا می‌سازد. در بعضی از روایات علوی(ع) می‌توان مصادیق و تسهیل‌کننده‌هایی را برای وقوع در فتنه یافت:

حضرت امیر(ع) از رسول خدا(ص) نقل کرده که فرمودند:

برای امتم بیش از هر چیز از گمراهی پس از معرفت، فتنه‌های گمراه‌کننده و شهوت، شکم و فرج بیمناکم. 19

از همه مهم‌تر اینکه فتنه فراگیری در میان تمام مسلمانان رخ می‌دهد که تا زمان ظهور ادامه می‌یابد:

از پیامبر اکرم(ص) شنیدم که فرمود: جبرئیل به نزد آمد و گفت: یا محمد، به زودی در امتت فتنه به‌پا خواهد شد. پرسیدم: چگونه از آن می‌توان خارج شد؟ گفت: در کتاب خدا، خبر پیشینیان و آنها که پس از شما می‌آیند و حکم (آنچه) مابین شما (رخ می‌دهد) آمده است. [آن] فاصل میان حق و باطل است و هزل نیست. هر ستم‌کاری که بدان عمل نکند خداوند او را درهم می‌شکند و هر کس جز در آن به دنبال هدایت باشد خداوند گمراهش خواهد ساخت. ریسمان محکم الهی، ذکر حکیم و صراط مستقیم است. 20

قسم به آنکه جان علی در دست اوست این امت به هفتادوسه فرقه تقسیم می‌شوند که همه آنها در آتشند به جز این فرقه: «و من خلقنا أمة يهدون بالحق و به يعدلون؛ و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند کعبه حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند». 21 اینها یقیناً که نجات می‌یابند. 22

در دیگر روایات، حضرت امیر(ع)، دسته نجات‌یابنده را خود، شیعیان 23 و تمام پیروانشان 24 معرفی نموده‌اند:

رسول خدا(ص) به من فرمود: «شبی که مرا به آسمان‌ها بردند، قصرهایی دیدم که از یاقوت سرخ، زبرجد سبز، درّ و مرجان و طلای خالص بود، کاه‌گل آنها از مشک خوشبو، خاکش از زعفران، و دارای میوه، نخل خرما و انار، حوریه، زن‌های زیبا و نهرهای شیر و عسل که بر روی درّ و جواهر می‌گذشت – در کنار آن دو نهر، خیمه‌ها و غرفه‌هایی بنا شده، بودند و در آنها خدمتکارها و پسرانی بودند، و فرش‌هایش از استبرق، سندس و حریر بود و طناب‌هایی در آنها بود. گفتم: ای حبیب من جبرئیل، این قصرها از آن کیست، و قصه آنها چیست؟ جبرئیل گفت: این قصرها و آنچه در آن است و چندین برابر آن مخصوص شیعیان برادرت و جانشین تو پس از تو بر امت، علی است. ایشان را در آخر الزمان به نامی که دیگران را آزار دهد، بخوانند. آنها را رافضه (واگذارندگان) خوانند، در صورتی که این نام برای آنان زینت است، زیرا ایشان باطل را واگذارده و به حق چنگ زده‌اند، و سواد اعظم اینانند. اینها مخصوص شیعیان فرزندان حسن، پس از او، برای شیعیان برادرش حسین، پس از او، برای شیعیان فرزندان علی بن الحسین، بعد از او، برای شیعیان فرزندان محمد بن علی، پس از او، مخصوص شیعیان فرزندان جعفر بن محمد، پس از او، برای شیعیان فرزندان موسی بن جعفر، پس از او برای شیعیان فرزندان علی بن موسی، بعد از او، برای شیعیان فرزندان محمد بن علی بعد از او؛ و برای شیعیان فرزندان علی بن محمد، پس از او برای شیعیان فرزندان حسن بن علی پس از او، و برای شیعیان فرزندان محمد مهدی پس از اوست. ای محمد اینان امامان پس از تو، نشانه‌های هدایت و چراغ‌های روشن در تاریکی‌ها هستند. شیعیان‌شان – تمامی – فرزندان تو هستند، و دوستداران آنها پیروان حق و دوستان خدا و رسولند، که باطل را واگذارده و از آن دوری کرده‌اند، و آهنگ حق نموده و از آن پیروی کرده‌اند، آنها را در زمان زندگی‌شان دوست داشته و پس از مرگشان زیارت کنند. در صد یاری آنها یابند و به دوستی آنها اعتماد کنند. رحمت خدا بر ایشان باد زیرا او آمرزنده و مهربان است». 25

در برخی روایات دیگر از ایشان آمده که دوازده یا سیزده فرقه از فرق اسلامی به ایشان محبت می‌ورزند و ولایتشان را قبول دارند. 26

شدت این فتنه را از آنجا می‌توان دریافت که ایشان می‌فرمایند:

اگر کسی را با ده طناب در جبهه حق بسته باشند، باز او را به باطل می‌کشانند و به عکس. 27

سختی این فتنه‌ها برای مؤمنان نیز از این روایت قابل درک است که ایشان از رسول خدا(ص) نقل نمودند که فرمود:

زمانی بر مردم می‌آید که دل مؤمن در نهادش آب می‌شود، همان‌طور که سُرَب در آتش آب می‌شود، و سبب آن نیست مگر اینکه فتنه‌ها و بدعت‌هایی را که در دین آنها ظاهر گشته مشاهده می‌کنند و توانایی تغییر و بر طرف ساختن آنها را ندارند. 28

در جای دیگر از حضرتش نقل شده که مؤمنان آخرالزمان از کنیزان پست تر شمرده خواهند شد. 29

برکات بروز فتنه‌ها در جامعه

هرچند فتنه‌ها، سختی‌ها و تلخی‌های خاص خود را به دنبال می‌آورد لیکن شیرینی‌هایی در پی آن نصیب مؤمن می‌شود که شاید از هیچ راه دیگری تحصیل آنها برای مؤمن ممکن نباشد. در روایات رسول خدا(ص) و امامان اطهار(ع) می‌خوانیم:

«از فتنه‌های آخرالزمان کراهت نداشته باشید که منافقان را نابود می‌کند». 30

در ضمن وصایای رسول خدا(ص) به امیرمؤمنان(ع) آمده است:

ای علی، شگفت‌آورترین مردم از نظر ایمان و بزرگ‌ترین آنان از نظر یقین مردمانی هستند که در آخرالزمان پیامبری ندیدند و امام هم از نظرشان پنهان شده، پس به همان سیاهی

امام صادق(ع) فرمود: «پس از آنکه عثمان کشته و با امیر المؤمنین(ع) بیعت شد، آن حضرت بر فراز منبر تشریف برد، خطبه‌ای خواند و در آن فرمود: «هان که گرفتاری شما به گرفتاری همان روز که خداوند پیغمبرش را برانگیخت بازگشت نموده است. سوگند به آنکه او را به حق برانگیخت، حتماً باید گرفتار وسوسه شوید و غربال گردید تا آنکه زیرورو شوید و بالا و پایین گردید. حتماً باید افرادی که کوتاه آمده‌اند پیشی گیرند و آنانی که پیشی گرفته‌اند کوتاه بیایند. به خدا قسم هیچ نشانه‌ای را پنهان نکرده‌ام و هیچ دروغی نگفته‌ام و مرا از این مقام و چنین روز آگاهی بود.» 32.

یکی از برکات صبر در آخرالزمان این است که مؤمن را در ثواب تمامی نیکی‌های پیشینانش شریک می‌سازد:

وقتی در جنگ نهروان امیر المؤمنین(ع) خوار را به قتل رسانید، مردی به خدمت حضرت رسید. حضرت به او فرمود: «قسم به خداوندی که دانه را شکافت و آدمی را آفرید، مردمی در اینجا با ما آمده‌اند که هنوز خداوند پدران و نیاکان آنها را خلق نکرده است!»

آن مرد عرض کرد: مردمی که هنوز خلق نشده‌اند چگونه می‌توانند با ما آمده باشند؟!

فرمود: «آری، آنها مردمی هستند که در آخرالزمان می‌آیند و در این هدف که ما داریم آنها نیز شریکند و تسلیم ما، پس آنها در آن راه که ما گام برمی‌داریم شرکای حقیقی و واقعی ما هستند.» 33.

مسلماً هر آزمونی که سخت تر باشد در عین آنکه بسیاری نمی‌توانند در آن قبول شوند آن عده ای که توفیق و پیروزی می‌یابند تعدادی اندک و جایگاهی رفیع خواهند داشت.

راه‌هایی از فتنه‌های آخرالزمان

تمسک به قرآن و اهل بیت(ع)

راه‌هایی از این فتنه‌های آخرالزمانی در بیانات امیرمؤمنان(ع) در دو قالب عمومی و فردی قابل دسته‌بندی است. راه عمومی همان تمسک به قرآن و اهل بیت(ع) است. راه فردی که به برخی از صحابه توصیه می‌شده - الزاماً شامل همگان نبوده - سکوت، قعود و... است.

روایت مربوط به تمسک به قرآن را پیش از این مرور کردیم. 34 درباره تمسک به اهل بیت(ع)، روایات متعددی از امیرمؤمنان(ع) نقل شده که با توجه به جامعیت روایت ذیل و دربرداشتن راه تحقق آن، از بیان دیگر موارد خودداری و به نقل همین مورد اکتفا می‌کنیم. 35

امیر مؤمنان(ع) در ضمن خطبه‌ای بلند راه‌هایی را برای رهایی از فتنه‌ها و مصون ماندن از عذاب الهی که فرجام فرو افتادگان در آنهاست فراروی مؤمنان نهادند. در اینجا به مناسبت، به فرازهایی از این سخن گران سنگ توجه می‌کنیم:

من و رسول خدا(ص) بر لب حوض هستیم و خاندان ما با ما هستند پس هر کس ما را بخواهد باید گفتار ما را بگیرد و به کردار ما عمل کند زیرا ما خاندانی هستیم که شفاعت از آن ماست. برای دیدار ما در کنار حوض با هم رقابت کنید، چون ما دشمنان را از آن دور و دوستانمان را از آن سیراب می‌سازیم. هر کس از آن آب نوشد هرگز تشنه نشود، و حوض ما پر است و از دو آبریز بهشتی در او ریخته می‌شود؛ یکی «تسنیم» و دیگری «معین». در دو طرف این حوض، زعفران است. کسی را بر ما نمی‌گزیند ولی اوست که از بندگان شایسته که را بخواهد ویژه رحمتش کند، پس خدا را ستایش می‌کنم بدین نعمت‌ها که مخصوص شما قرار داده و بر حلال‌زادگی شما، چون یاد ما خانواده، شفای هر درد، بیماری و وسوسه شک‌آور است، و البته دوستی ما خشنودی خداست، و هر کسی که راه ما را گیرد، فردا در «حظیر القدس» و «فردوس برین» با ماست، و منتظر امر ما همچون کسی است که در راه خدا به خوشن غلتد، و هر که فریاد ما را بشنود ولی ما را یاری نکند خدا به رو بر سر دو سوراخ بینی او را در دوزخ سرنگون سازد.

1. استقامت و تقیه در برابر دشمنان: ما در گشایش، چون مبعوث شوند و همه راه‌ها بر مردم بسته شود، ماییم «باب حطه» که در اسلام است هر کس در او آید نجات یابد و هر که از آن دور شود فرو افتد. خدا به ما آغاز کرد و به ما پایان داد و آنچه را بخواهد به ما می‌زداید و به ما پایدار سازد و به ما باران فرود آید، مبادا فریبنده شما را از خدا فریب دهد، اگر بدانید درماندن شما میان دشمنان و تحمل اذیت‌ها چه اجری دارید چشم شما روشن شود، و اگر مرا نیابید چیزهایی ببینید که آرزوی مرگ کنید از ستم و دشمنی و خودبینی و سبک‌شمردن حق خدا و ترس، چون چنین شود همه به رشته خدا بچسبید و از هم جدا نشوید، و بر شما باد به صبر و تقیه.

2. ثبات و دوری از رنگ به رنگ شدن: و بدانید که خداوند دشمن میدارد بندگان متلون و همه رنگ خود را، پس از حق و ولایت اهل حق دور نشوید چون هر کس دیگری را جای ما برگزیند نابود است و هر که پیرو آثار ما شود به ما پیوندد، و هر که از غیر راه ما رود غرق شود همانا برای دوستان ما فوج‌هایی از رحمت خداست و برای دشمنان ما فوج‌هایی از عذاب خدا، راه ما میانه است، و رشد و صلاح در برنامه ماست، بهشتیان به خانه‌های شیعیان ما چنان نگاه می‌کنند که ستاره درخشان را در آسمان می‌بینند.

3. پرهیز از دنیاگرایی: هر کس از ما پیروی کند گمراه نشود، و هر که منکر ما شود هدایت نگردد، و نجات نیابد آنکه بر زبان ما کمک دهد دشمن ما را و یاری نشود آنکه ما را وابگدازد. پس به طمع دنیای پوچ و بی‌ارزشی که سرانجام از شما دور شود و شما نیز از آن زوال یابید از ما روی نگردانید، زیرا هر کس دنیا را بر ما ترجیح دهد افسوس فراوان دارد. خداوند متعال [از زبان این فرد] می‌فرماید: «ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و در حق خود ظلم و تفریط کردم.» 36.

4. شناخت حق امامان معصوم(ع): چراغ راه مؤمن شناخت حق ماست، و بدترین کوری نابینایی فضیلت ماست که با ما بی‌جهت و بدون گناه به دشمنی برخاسته فقط به جرم اینکه ما او را به سوی حق و دوستی خواندیم و دیگران او را به سوی فتنه دعوت کردند، آنها را بر ما ترجیح داد. ما را پرچی است که هر که در سایه آن درآید، او را جا دهد و هر که بسوی او پیش تازد پیروز است و هر که از آن واماند نابود، و هر که بدان چنگ زند نجات یابد، شما یابید آبادگران زمین که (خداوند) شما را در آن جای داد تا ببیند چه می‌کنید،

پس مراقب خدا باشید در آنچه از شما دیده می‌شود، بر شما باد به راه روشن بزرگ‌تر، در آن بروید که دیگری جای شما را نگیرد. سپس حضرت این آیه قرآن را تلاوت فرمود: «به سوی آموزش پروردگارتان بشتابید و به راه بهشتی که عرضش به قدر پهنای آسمان و زمین است و آن برای اهل ایمان به خدا و پیمبران‌ش مهیا گردیده» 37.

5. پیشه کردن تقوی: پس بدانید شما به بهشت نمی‌رسید مگر به تقوی، و هر که رها سازد پیروی از آنکه خدا فرمان اطاعت او را داده، برانگیخته شود برای او شیطانی که قرین و مونس او گردد.

6. عدم سازش با ستمکاران: شما را چه باشد که به دنیا تکیه کردید، و به ستم خشنودید، و فرو گذاشتید آنچه را که عزت و سعادت شما و نیروی علیه ستمگران در آنست، نه از خدایان شرم دارید، و نه به حال خود فکر می‌کنید. شما در هر روز ظلم می‌شوید ولی از خواب بیدار نمی‌گردید، و سستی شما پایان نپذیرد، آیا نمی‌بینید دین شما کهنه می‌شود و شما سرگرم دنیا بیدید، خدای بزرگ می‌فرماید: «و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست باشید و گر نه آتش کیفر آنان در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هرگز کسی، یاری شما نخواهد کرد» 38 و 39.

روایاتی که مخاطبش افراد متوسطی است که در فتنه‌ها احتمال لغزششان بیش از نجات به نظر می‌آید از این قرارند:

7. ذکر و یادآوری همیشگی: دانشمند آن‌کس است که ارزش خویش را بشناسد، در نادانی مرد همین بس که قدر خود را نشناسد و دشمن‌ترین بندگان نزد خدا همانا بنده‌ای است که خدا او را به خودش واگذارد، سرگردان و حیران از راه راست باشد و هدفش را نداند چیست و بدون راهنما راه را بییماید. اگر به سوی کسب مال دنیا دعوت شود اجابت می‌کند اگر به سوی آخرت دعوت شود کاهلی می‌کند گویا عملی را که برای دنیا انجام می‌دهد بر او واجب است و آنچه برای آخرت انجام می‌دهد از او ساقط. اینها در زمانی است که در آن زمان کسی سالم نمی‌ماند جز مؤمنی که دائم‌الذکر است و کم‌اذیت، که اگر حاضر باشد کسی او را نشناسد و اگر غایب باشد جستجویش نکنند.

8. عدم اشاعة گناه: اینان چراغ‌های هدایت و مشعل‌های فروزان برای شیروان هستند و برای سخن چینی و فساد در گردش نیستند، نادان و سفیه نباشند که گناهان را انتشار دهند و اشاعه فاحشه کنند. خداوند درهای رحمتش را بروی اینان می‌گشاید و از ایشان عذاب سختش را برطرف می‌کند. ای مردم همانا روزگاری می‌آید که مردم فقط به اسم اسلام بی‌نیاز باشند و از اسلام خبری نباشد آن چنان که ظرف تنها به آنچه که در آن ریخته می‌شود بی‌نیاز باشد. 40

به امید آنکه خداوند همه ما را از شرّ فتنه‌های آخرالزمان برهاند و از تمام ابتلائات این دوره سربلند بیرون آورد. انشاءالله

پی نوشت‌ها:

1. شیخ مفید، الإرشاد، ج 1، ص 35.

2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبة 59.

3. علامه حلی، الفین، ترجمه وجدانی، ص 953.

4. علامه حلی، کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین (ع)، ص 84.

5. تهذیب اللغة، ج 14، ص 296؛ مقایس اللغة، ج 4، ص 472.

6. النهایة، ج 3، ص 410.

7. سورة عنکبوت (29)، آیه 2.

8. سورة مائده (5)، آیه 49.

9. سورة بقره (2)، آیه 193.

10. سورة حدید (57)، آیه 14.

11. سورة انفال (8)، آیه 73.

12. سورة مائده (5)، آیه 41.

13. سورة نسا (4)، آیه 101.

14. سورة توبه (9)، آیه 47.

15. السنن الوارده، ص 35.

16. فتن ابن حماد، ص 28.

17. همان، ص 39.

18. روضه کافی، ص 58.

19. السنن الوارده، ص 37.

20. تفسیر عیاشی، ج 1، ص 3.

21. سورة اعراف (7)، آیه 181.

22. تفسیر عیاشی، ج 2، ص 43.

23. بحارالانوار، ج 24، ص 146.

24. الامالی، ص 212.

25. الصراط المستقیم، ج 2، ص 153.

26. نهج السعادة، ج3، ص 427 و ص 430.
27. فتن ابن حماد، ص 34.
28. امالی طوسی، ج2، ص 132؛ وسائل الشیعه.
29. فتن ابن حماد، ص 123.
30. کنز العمال، ج 11، ص 189.
31. کمال الدین، ص 288.
32. الکافی، ج1، ص 396.
33. المحاسن، ص 262؛ بحار الانوار، ج 52، ص 131.
34. ر. ک: الدر المنثور، ج 2، ص 227.
35. ر. ک: کمال الدین، ج 2، ص 654.
36. سورة زمر (39)، آية 56.
37. سورة حديد (57)، آية 21.
38. سورة هود (11)، آية 113.
39. نهج السعادة، ج 3، ص 421.
40. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 35.

منبع خبر: ماهنامه موعود شماره 90